

یاد جنگل دور

فرضیه ساوانا و انتخاب زیستگاه در انسان

گوردین اوراینز

ترجمه

کاوه فیض‌اللهی

فرهنگ‌نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران- ۱۳۹۹

یاد جنگل دور

فرضیه ساوانا و انتخاب

زیستگاه در انسان

ترجمه کاوه فیض‌اللهی

از Snakes, Sunrises, and Shakespeare:

How Evolution Shapes Our Loves and Fears

Gordon H. Orians

The University of Chicago Press, Chicago, 2014

فرهنگ‌نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

تیراژ بیت چاپ اول، ۱۳۹۹

شمارگان ۱۱۰۰

صفحه‌ها مرتضی فکوری

موضوع طرح چاپ حکمت مرادی

چاپ غزل

ناظر چاپ حسن ساج

ساخته و محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور یاد جنگل دور / گوردون اورینز، ترجمه کاوه فیض‌اللهی.

مشخصات نشر

تهران: فرهنگ نشر نو، آسیم، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری

۳۷۵ ص:؛

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰-۱۴۴-۴

وضعیت فهرست‌نویسی

فیا

موضوع

تکامل (زیست‌شناسی) -- جنبه‌های فیزیولوژیکی

شناسه افزوده

فیض‌اللهی، کاوه، ۱۳۵۶ -، مترجم

رده‌بندی کنگره

BF۵۳۱

رده‌بندی دیویی

۱۵۲/۴

شماره کتاب‌شناسی ملی

۵۷۰۰۱۳۸

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

فروشگاه اینترنتی www.nashrenow.com

قیمت ۶۸,۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	یادداشت ششم
۳۹	۱ سوت زدن برای غسل
۵۱	۲ اشباح دشت‌های افریقا
۷۱	۳ هزینه سنگین یادگاری
۸۷	۴ خواندن چشم‌انداز
۱۰۱	۵ مار در میان علف‌ها (... و خطرات دیگر)
۱۲۹	۶ سامان گرفتن و جا افتادن
۱۸۹	۷ غرامت به فلفل
۲۲۱	۸ میمون آهن‌گین
۲۴۷	۹ نخستین بو
۲۷۳	۱۰ مرتب کردن طبیعت
۲۹۱	۱۱ پرنده راهنمای غسل و مار
۳۲۱	یادداشت‌ها
۳۶۱	نمایه
۳۷۵	نمایه نام‌های علمی جانداران

یادداشت مترجم

آنچه از دریا به دریا می‌رود از همان جا کامد آنجا می‌رود
مولانا، مثنوی معنوی

خلق چو مرغابیان زاده ز دریای بحر کی؟ این جامقام مرغ کزان بحر خاست
بلکه به دریا دریم جمله در او حاضریم بر نه ز دریای دل موج پیاپی چراست
مولانا، دیوان شمس

ظاهراً در فلسفه ظرفیتی پنهان برای انکار نه تنها توانایی انسان برای شناخت جهان (واقع‌گرایی^۱)، بلکه اصلاً خود جهان (عینی‌گرایی^۲) وجود دارد که بارها به انکار وجود ذهن و ماده انجامیده است. برای مثال، اسقف بارکلی^۳ در چارچوب ذهن‌باوری^۴ به این نتیجه رسید که ما به چیزی جز ادراک ذهنی از جهان دسترسی نداریم. و از آنجا که تجربه ذهنی هیچ دو فردی با هم یکی نیست، اساساً چیزی به نام حقیقت بیرونی یا عینی که مستقل از ادراک ما

1. realism

2. objectivism

3. George Berkeley (1685-1753).

4. subjectivism

باشد وجود ندارد. اگر یک لحظه کتابی که در دست دارید را کنار بگذارید و رویتان را از آن برگردانید، به نظر اسقف بارکلی این کتاب دیگر وجود ندارد (ماده نابوری^۱). و علت اینکه جهان مدام میان وجود و عدم در جست و خیز نیست، از نظر او آن است که همه چیز در ادراک خداوند بازتابی دائمی دارد. و هنگامی که پس از بارکلی، دیوید هیوم^۲ نیز وجود ذهن را انکار کرد، دست فلسفه از نظر موضوعات قابل بررسی بسیار خالی شد.

دست کم جریان‌هایی در فلسفه معاصر که اغلب زیر چتر پست‌مدرن گرد آمدند، در جنگی بر سر قلمرو با علم تجربی، این ظرفیت فلسفه برای خوار کردن همه چیز را همچون نوعی شیمی درمانی به کار گرفته‌اند تا حتی به قیّم و واقع‌گرایی و عینی‌ستیزی، مانع دست‌اندازی‌های زیاده‌خواهانه علم شوند. از این نیمی دانی هیچ ککی علم را نگزیده و فقط کچلی‌اش برای پست‌مدرنیسم مانده است. هرچند نقش آن، شانه به شانه بنیادگرایی، در بازگشت تاریک اندیشه علمی، تیزی به این زمانه پسا حقیقت^۳ و تباه کردن دستاوردهای علم بنیاد تمدن، غالب به سختی می‌توان نادیده گرفت.

برتراند راسل^۴ در «تاریخ فلسفه غرب» (۱۹۴۵) می‌گوید «مفهوم "حقیقت" به عنوان چیزی وابسته به واقعیت‌هایی که عمدتاً خارج از کنترل انسان هستند، یکی از شیوه‌هایی بود که فلسفه تاکنون برای القای عنصر ضروری فروتنی در ما به کار برده است. هنگامی که این مهار از روی غرور برداشته شود، یک گام دیگر در مسیر منتهی به نوع خاصی از جنون بر خواهیم داشت ... به عقیده من این مستی [قدرت] بزرگ‌ترین خطر زمانه ماست، و هر فلسفه‌ای که هرچند ناخواسته مشارکتی در آن داشته باشد، خطر فاجعه اجتماعی فراگیر را افزایش می‌دهد.» امروزه متأسفانه دلایل بسیاری در دست است که نگرانی راسل را جدی بگیریم. برای مثال، از

1. immaterialism

2. David Hume (1711-1776).

3. obscurantism

4. post-truth

5. Bertrand Russell (1872-1970).

نظر پست‌مدرن‌ها ادعای علم در مورد کشف واقعیت درواقع تلاش برای کسب قدرت است. اما امروزه این رابطه کاملاً وارونه به نظر می‌رسد. اکنون بسیاری از منکران تغییر اقلیم و گرمایش جهان، که به آب‌شرکت‌های بین‌المللی وابسته‌اند، این ایده‌ها را نه واقعیت‌هایی در جهان خارج بلکه صرفاً برساخته‌هایی اجتماعی مختص خرده‌فرهنگ دانشمندان می‌دانند و از «واقعیت‌های دیگر»^۱ سخن می‌گویند که درواقع چیزی جز دروغ نیستند. بسیاری حتی تردید دارند که ما اصلاً در جهان مشترکی زندگی می‌کنیم و می‌گویند «در دنیایی که ما داریم در آن زندگی می‌کنیم اقلیم تغییری نکرده است!»

آیا واقعیت‌ها در علم کشف می‌کند مستقل از انسان هستند یا وابسته‌اند به نحوه ادراک ما از جهان؟ برای مثال، آیا تا پیش از پیدایش انسان روی زمین نیز جانداران از سازش تشکیل می‌شدند یا نظریه سلولی چیزی نیست جز یک برساخته اجتماعی؟ برونو لاتور^۲، جامعه‌شناس پست‌مدرن فرانسوی، در کتاب «پاستوریزه کردن زمین»^۳ نوشته؛ در سال ۱۸۵۶ در شهر لیل فرانسه فقط لوئی پاستور نبود که میکروب‌ها را کشف کرده بلکه میکروب‌ها نیز لوئی پاستور را کشف کردند. زنگنه لاتور پاستور با این موجودات میکروسکوپی «هم‌دست» شده تا بر تاریخ از آن اثر بگذارد.

بسیاری از این معرفت‌شناسی‌ها ریشه در ایده‌باوری^۴ دارند. براساس بعضی دیدگاه‌های افراطی که ریشه آنها به ایده‌باوری آلمانی یا پست‌کانتیگریسم^۵ و همچنین ایده‌باوری ذهنی‌انگار می‌رسد، جهان خارج برای انسان قابل شناخت نیست، زیرا پدیده‌ها یا فنومن^۶، یعنی آنچه ما از چیزها می‌بینیم لزوماً خود آن چیزها^۷، یعنی آن چیزها مستقل از مشاهده ما یا نومن^۸،

1. alternative facts

3. The Pasteurization of France (1988).

5. post-Kantianism

7. thing-in-itself

2. Bruno Latour (1947-).

4. idealism

6. phenomenon

8. Noumenon

نیستند. به بیان دیگر، ما خود چیزها را نمی‌بینیم، بلکه آنها را آن‌طور که به چشم ما می‌آیند می‌بینیم (یا حس می‌کنیم). ویژگی‌هایی که به چیزها نسبت می‌دهیم نیز به توبه خود متعلق به پدیدار یا نمود آن چیزها در ادراک حسی ما است، نه ویژگی‌های خود آن چیزها. آنچه در این نگاه به خطر می‌افتد امکان درک حقیقت مستقل از بشر یا حتی اصلاً وجود چنین حقیقتی است. زیرا به این ترتیب ما هرگز نخواهیم به چیستی نومن یا شیء در ذات خود پی ببریم. بنابراین جهان به عنوان بزرگ‌ترین نومن ناشناختنی است. و از آنجا که این جهان میان نومن و فنومن به کلی گسسته است، هیچ راهی برای مقایسهٔ ادراکات حسی ما با خود نومن به عنوان معیار حقیقت وجود ندارد. پس نمی‌توان دانست که کدام برداشت از حقیقت به حقیقت نزدیک‌تر است.

نام مدرن این درستی نسبی‌گرایی^۱ است که بنابر آن حقیقت عینی مستقلی در جهان وجود ندارد و هر نگاهی به جهان و آنچه در آن است حقیقت خودش را دارد. رچه عریف حقیقت در فلسفه ممکن است به ابهام کشیده شود، اما به گفتهٔ ریچارد داوکینز^۲ در کتاب «واشکافی رنگین کمان» (۱۹۹۸) «هیچ فیلسوفی هنگامی که به ناحق متهم به جنایتی شود، یا شک کند که زنش به او خیانت کرده، در استفاده از زبان حقیقت مشکلی ندارد.» در علم نیز، جز در بعضی مواردی کوانتومی، منظور دانشمندان از حقیقت چیزی جز همین معنای عام نیست.

هگل به عنوان چهرهٔ اصلی ایده‌آلیسم افراطی یا مطلقاً معتق بود که برای درک جهان باید میان عقل یا ذهن انسان به عنوان شناختگر و شیء و شیء غیبی خارج از ذهن یا ابژه^۳ که موضوع بررسی است، وجود واسطهٔ یکی باشند. در غیر این صورت، شناختگر هرگز به شیء عینی دسترسی نخواهد داشت و ما هرگز نخواهیم دانست که دانسته‌هایمان از جهان تا چه اندازه

1. relativism

2. Richard Dawkins (1941-).

3. subject

4. object

درست است. اما گوردون اوراینز^۱، نویسنده کتابی که در دست دارید، از نتیجه‌گیری ایمانوئل کانت در «بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق» (۱۷۸۵) آغاز می‌کند که نوشت «ما نمی‌توانیم محیط‌مان را درک کنیم مگر آنکه از پیش با درک این روابط به دنیا بیاییم.» این درک پیشینی از جهان که از لحظه تولد و حتی پیش از آن همراه ماست، این دانش بقا که ما را به جهان پیرامون متصل می‌کند، همان چیزی است که اصطلاحاً «طبیعت انسان»^۲ نامیده می‌شود.

گوردون اوراینز؛ برنده‌شناسی که روان‌شناس شد

گوردون اوراینز، برنده‌شناس و بوم‌شناس آمریکایی (متولد ۱۹۳۲) و استاد بازنشسته زیست‌شناسی در دانشگاه واشنگتن در سیاتل است، جایی که پس از گرفتن مدرک دکتریش در جانورشناسی از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی در سال ۱۹۶۰، تمام دوران کار حرفه‌ای خود را در آن گذرانده است. موضوع اصلی او در پژوهش‌های پرنده‌شناسی اش توکاهای^۳ دنیای جدید (خانواده Icteridae) است، گروهی از پرندگان که به تنوع نظام‌های اجتماعی‌شان مشهورند. مقاله‌های پژوهشی او را از آن تعدادشان نزدیک به ۱۳۰ است، عمدتاً از مقاله‌های نظری و آزمون‌های تجربی با استفاده از دستکاری‌های آزمایشی و تحلیل‌های مقایسه‌ای تشکیل می‌شوند. او در سال ۱۹۸۹ به عضویت فرهنگستان ملی علوم آمریکا^۴ و در سال ۱۹۹۰ به عضویت فرهنگستان هنر و علوم آمریکا^۵ پذیرفته شد. او در گذشته ریاست «انجمن بوم‌شناسی آمریکا» و معاونت «انجمن طبیعی‌دانان آمریکا» را بر عهده داشته، عضو هیأت تحریریه نشریات برجسته‌ای همچون *ساینس*، *نچر*، *پروسیدینگز*، *ایکولوژی* و *تکامل*^۶ (با ضریب اثرگذاری ۱۶)، «ژورنال

1. Gorden H. Orians

2. human nature

3. Blackbirds

4. National Academy of Sciences

5. American Academy of Arts and Sciences

6. Trends in Ecology and Evolution

آکادمی ملی علوم آمریکا» (با ضریب اثرگذاری ۹/۵)، «بوم‌شناسی رفتار و زیست‌شناسی اجتماعی»^۱، و «تنوع زیستی و حفاظت»^۲ بوده و در بسیاری از انجمن‌ها و کمیته‌ها عضویت داشته است. اوراینز یکی از بازرسان رسمی پیامدهای بوم‌شناختی جنگ آمریکا و ویتنام، به‌ویژه استفاده از علف‌کش‌ها، بود که گزارش آن در سال ۱۹۶۹ منتشر شد. او در سال ۱۹۹۸ برندهٔ جایزهٔ «م‌شناس برجسته» از سوی انجمن بوم‌شناسی آمریکا شد و یک سال پس از آن جایزهٔ انجمن پرندشناسی کوپر^۳ را به پاس یک عمر دستاورد در پژوهش‌های پرندشناسی دریافت کرد.

کتابی که در دست دارید تنها کتاب غیردرسی و غیرتخصصی اوراینز برای مخاطب عمومی است. او یکی از نویسندگان اولیهٔ کتاب درسی «حیات: علم زیست‌شناسی» (ویراست یازدهم، ۲۰۱۶) است، اما شکل نخستین این کتاب با عنوان «بررسی حیات» در نزدیک به هزار صفحه در سال ۱۹۶۹ تنها به قلم اوراینز منتشر شد. علاوه بر این دبیر چند مجموعه مقاله از جمله «خوراک‌جست‌ها»^۴ (۱۹۷۳)، «حفظ و ارزش‌گذاری منابع زیستی» (۱۹۹۰) و «تنوع زیستی و فرایند‌های اکوسیستمی در جنگل‌های استوایی» (۱۹۹۶) است. و سه کتاب ربابا^۵ پرندگان مورد علاقه‌اش نوشته است: «بعضی سازش‌های توکاهای لانه‌ساز در نیل» (۱۹۸۰)، «توکاهای آمریکا» (۱۹۸۵) و «توکاهای بال‌سرخ: تصمیم‌گیری و موفقیت تولیدمثلی» (۱۹۹۷).

اوراینز به موضوعات پژوهشی گوناگون علاقه دارد. اما به‌تر آثارش به مباحث گوناگون در بوم‌شناسی رفتار، از جمله انتخاب زیست‌گاه، انتخاب جفت و نظام‌های جفت‌گیری، انتخاب طعمه و نظریهٔ خوراک‌جویی و در کل به رابطه میان بوم‌شناسی و سازمان اجتماعی ارتباط دارند. اگرچه

1. Behavioral Ecology and Sociobiology
2. Biodiversity and Conservation
3. Cooper Ornithological Society